

آوازخوان و نوازنده سه‌تار محله چهاربرج، حدود ۳ دهه است صدایش را وقف حضور در برنامه‌های خیریه کرده است

## ناز صدایت اصغراقا!

حسین برادران فرا حدود ۳ دهه است که با هنر خوانندگی و نوازندگی در محافل و مجالس مختلف ادبی و هنری درخشیده و دل‌های مشتاق هنر را با آواز اصیل ایرانی مأنوس کرده است. دوستان اصغر احمدی به خاطر شباهت ظاهری او به خسرو آواز ایران، مرحوم استاد محمد رضا شجریان، به او لقب «شجریان ثانی» داده‌اند. این تنها وجه مشترک او با استاد بزرگ آواز ایرانی که اتفاقاً همشهری هم هستند نیست؛ او هنر موسیقی اش را در خدمت به مردم به کار برده و به قول معروف، هیچ‌گاه نگاه‌مادی به آن نداشته و دنبال شهرت نبوده است. سال‌هاست که در جشن‌های خیریه و مراسمی که با هدف کمک به نیازمندان برگزار شده شرکت کرده و رایگان آواز خوانده است. از نظر این خواننده مردمی، هنر واقعی هنری است که در خدمت مردم و رفع مشکلات آن‌ها به کار گرفته شود. اصغر احمدی، خواننده آوازهای اصیل و سنتی ساکن محله چهاربرج، در این سال‌ها بخشی از هنر و توانمندی اش را برای آموزش آوازخوانی به نسل جوان صرف کرده است.

### «قبولی»، جلوی اسم اصغراقا

قبل از شروع مصاحبه و طرح این پرسش که «چطور شد خوانندگی را شروع کردید؟» اصغر احمدی بدون درنگ از خاطره دیدارش با استاد رضا شاکری می‌گوید که خودش پاسخی به بخشی از سؤالات ماست: «اواسط دهه ۷۰ امور هنری اداره ارشاد استان خراسان دوره آموزش خوانندگی را برگزار کرد. شرط شرکت در این کلاس‌ها تأیید استعداد خوانندگی توسط استاد رضا شاکری بود. امور هنری اداره ارشاد دور فلکه پارک قرار داشت. در ۲۷ سالگی به اصرار چند نفر از دوستان قرار شد در این کلاس‌های خوانندگی شرکت کنم. هدف من بیشتر این بود که بایک خواننده حرفه‌ای آشنا بشوم و با استعداد خوانندگی من رتأیید کند. ۱۲۰ نفر از جوان‌های هجده تا بیست ساله آمده بودند. به همه یک آن می‌دادند. بعد از پرکردن فرم یکی یکی به داخل اتاق می‌رفتند تا تست خوانندگی بدهند. در سالن انتظار از یکی که قبل مارفته بود، پرسیدم سؤالات و گزینش‌ها چطور است. او هم گفت «باید دوبیت شعر را بخوانی؛ همان‌جا استاد نتیجه‌اش را اعلام می‌کند.»

اصغراقای جوان که با شنیدن این حرف‌ها دلش حسابی خالی شده بود و قصد بازگشت به خانه را داشت. در آخرین لحظه، نزد استاد شاکری رفت. او می‌گوید: «می‌خواستم از اتاق خارج شوم که استاد گزینش گفت: «حالا یکی دوبیت بخوان تا صدایت را بشنویم.» هنوز بیت اولی تمام نشده بود که استاد جلواسمم با خود کار قرمز، یک کلمه بزرگ، «قبولی» نوشت.

### از زمزمه گلپا تا شعر کومار سینگ

اصغر احمدی که به قول خودش کشاورز زاده است، در روزهای گرم تابستان و حین کار در زمین کشاورزی، زمزمه‌های پدر را می‌شنید و آن را تنها تسکین دهنده سختی کارش عنوان می‌کند. او می‌گوید: پنج‌جاه سال قبل، مثل امروز امکانات صوتی و موسیقی فراهم نبود. کشاورزان برای اینکه کمی از سختی کارشان کاسته شود، اشعاری را زمزمه می‌کردند. بیشتر این اشعار، محلی و فولکلور بود. مرحوم پدرم همیشه و حین کار، اشعاری را می‌خواند. از آن زمان، اولین جرقه علاقه‌ام به خوانندگی زده شد و هر روز ترانه‌های اصیل و سنتی ایرانی را که توسط خوانندگانی چون استاد ایرج و استاد گلپا خوانده می‌شد، گوش می‌کردم.

اصغر نو جوان در دوران مدرسه نیز اشعاری از حافظ، سعدی و مولانا را در جمع‌های دوستانه و مدرسه می‌خواند. اما اولین اجرای خوانندگی او به صورت اتفاقی و در سال‌های بعد اتفاق افتاد. احمدی می‌گوید: از جوانی تا کنون تکسین یک شرکت خدمات الکتریکی هستم. سه دهه قبل، این شرکت برای نصب تجهیزات جدید کارخانه، دو مهندس هندی را استخدام کرده بود که کار با این دستگاه‌ها را به من و همکارم یاد بدهند. یک ماهی بود که من بایکی از این‌ها که هاکه اسمش راج بود، همراه بودم. یک روز که خیلی کارمان طول کشید، به این فکر افتادم که دوبیت شعر هندی را که در یکی از فیلم‌های هندی شنیده بودم، برای راج بخوانم. شروع کردم به خواندن. یک لحظه راج با چشمان گشاد شده از تعجب به من خیره شد و با زبان انگلیسی و فارسی قاتی پاتی گفت: «فکر کردم این شعر را کومار سینگ، بازیگر هندی دارد می‌خواند.»!

### سکوت سالن در اولین آوازخوانی

به گفته اصغر احمدی چند روز بعد از این ماجرا به افتخار راه اندازی خط جدید شرکت، جشنی برگزار می‌شود و در جریان این جشن است که او برای اولین بار هنر خوانندگی خود را عرضه می‌کند. اصغر احمدی با مرور خاطره جشن آن شب توضیح می‌دهد: مجری آن شب آقای محسن رفوگران بود. در جریان جشن، آقای رفوگران، ترتیب مسابقه‌ای را داد. مسابقه این‌طور بود که هر کس هنری داشت، انجام می‌داد. یک نفر تقلید صدا، نفر بعدی، طنزگویی و... نوبت به من که رسید، راج بلند شد و با صدای بلند به زبان فارسی و انگلیسی گفت «خواننده: اصغر خوانندگی بلد هست.» آن شب برای اولین بار شعری را با آواز خواندم. بعد از چند دقیقه سکوت، سالن همایش ترکیب و تشویق‌ها تا چند دقیقه ادامه داشت. بعد از این ماجرا بود که به صورت جدی دنبال خوانندگی رفتم و در دوره آموزشی خوانندگی استاد رضا شاکری شرکت کردم.

